رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۱۱، شماره پیاپی ۸۰، بهمن ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(11), 2023

رابطه سوءرفتار هیجانی با رضایت زناشویی: نقش واسطه‌ای دلزدگی زناشویی در زنان و مردان شهر بندرعباس

The relationship between emotional abuse and marital satisfaction: the mediating role of marital boredom in women and men of Bandar Abbas city

مجید عزیزی
دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی،واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.
کبری حاجی علیزاده (نویسنده مسئول)
دانشیار، گروه روانشناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

Majid Azizi
Master's student in clinical psychology, Department of Psychology, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.
Kobra Haji Alizadeh*
Associate Professor, Department of Psychology, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. ph_alizadeh@yahoo.com

چکیده
هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای دلزدگی زناشویی در ارتباط بین سوء رفتار هیجانی و رضایت زناشویی بود. روش پژوهش، توصیفی-همبستگی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان شهر بندرعباس در سال ۱۴۰۰- ۱۴۰۱بودند که از بین آنها ۳۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه دلزدگی زناشویی(MBS) پاینز (۱۹۹۶)، پرسشنامه ترومای دوران کودکی(CTQ) محمد خانی و همکاران (۲۰۰۳) و مقیاس رضایت زناشویی(EMS) اولسون(۱۹۹۴) استفاده شد. تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که سوءرفتار هیجانی و دلزدگی زناشویی هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم، بر رضایت زناشویی در زنان و مردان نقش دارند (۰/۰۰۱). یافته‌ها نشان داد مدل پژوهش از برازش خوبی برخوردار است . ، نتایج این پژوهش نشان داد که متغیر دلزدی زناشویی نقش واسطه‌ای بین سوءرفتار هیجانی و رضایت زناشویی زوجین دارد.

واژه‌های کلیدی: دلزدگی زناشویی، رضایت زناشویی، سوءرفتار هیجانی.

Abstract
The aim of the present study was to investigate the mediating role of marital boredom in the relationship between emotional misconduct and marital satisfaction. The research method was descriptive correlation and structural equation modeling. The statistical population included all the men and women of Bandar Abbas city in 1401-1400, from which 350 people were selected by the available sampling method. Pines' (1996) Marital Boredom Questionnaire (MBS), Mohammad Khani et al.'s (2003) Childhood Trauma Questionnaire (CTQ), and Olson's (1994) Marital Satisfaction Scale (EMS) were used to collect data. The analysis of structural equation modeling showed that emotional abuse and marital boredom both directly and indirectly contribute to marital satisfaction in men and women (0.001). The findings showed that the research model has a good fit. The results of this research showed that the variable of marital affection has a mediating role between emotional misconduct and marital satisfaction of couples.
Keywords: marital boredom, marital satisfaction, emotional abuse.

نوع مقاله : پژوهشی	دریافت : مرداد ۱۴۰۱	پذیرش: مرداد ۱۴۰۱	ویرایش نهایی: بهمن ۱۴۰۱

مقدمه

ازدواج در همه جوامع یک موضوع مهم شمرده می‌شود و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هرکسی یک هدف عمده و آرمانی به شمار می‌رود، ازدواجی را می‌توان موفق نامید که در آن رضایت زناشویی زوج بالا باشد و از سازگاری و تفاهم برخوردار باشد، همچنین ازدواج آنها پایدار بوده و از ثبات مناسبی برخوردار باشد(ویسمن و همکاران، ۲۰۱۸). خانواده کارکردهای متفاوتی را دارد ایفای این کارکردها از سوی خانواده نیازمند شرایط خاصی است که عدول از آنها باعث کاهش رضایت زناشویی در خانواده می‌گردد (واراچ و جوزف[1]، ۲۰۱۹). رضایت زناشویی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم و تعیین کننده در استحکام خانواده، وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر

1 Warach, Josephs

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.13.0]

مواقع احساس خوشبختی، رضایت از ازدواج و رضایت از همدیگر دارند (کرنی و بردبوری[1]، ۲۰۲۰). رضایت زناشویی فرآیند پیچیده‌ای است که متاثر از عوامل مختلفی مانند تحصیلات، طبقه اجتماعی-اقتصادی، عشق، تعهد، ارتباطات زناشویی، تعارض، جنسیت، وجود فرزندان، روابط جنسی و تقسیم وظایف در زمان‌های مختلف است (اسکانفلد[2] و همکاران، ۲۰۱۷). در حقیقت آنچه که حتی از خود ازدواج مهم‌تر است، موفقیت ازدواج و رضایت زوج‌های متأهل است که جوی سرشار از احترام، تعهد و مسئولیت بر آن حاکم است (امیدیان و همکاران، ۲۰۱۹؛ زارعی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶؛ توکل و همکاران، ۲۰۱۷). رضایت زناشویی یعنی داشتن ذهنیت خوشایند در بین زوجین از جنبه‌های مختلف ازدواجشان که مستقیما بر کیفیت زندگی آنها تأثیر می‌گذارد (جعفربگلو و همکاران، ۲۰۱۹). رضایت زناشویی از جمله مهم‌ترین عواملی است که بر خانواده اثر می‌گذارد و باعث حفظ زندگی زناشویی می‌شود و همچنین تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند خصوصیات شخصی افراد، بلوغ فکری، رضایت جنسی، دلزدگی زناشویی و تجارب دوران کودکی قرار می‌گیرد (زارعی و همکاران، ۲۰۱۹). ابعاد مختلفی از روابط زناشویی زوجین تحت تأثیر خانواده‌های آنها قرار گرفته و کیفیت زندگی آنها را تغییر می‌دهد (منتظری،۱۴۰۱).

یکی از عوامل تاثیرگذار بر رضایت زناشویی سوءرفتار هیجانی دوران کودکی یا تروماهای دوران کودکی است و این حاکی از تاثیرات بلند مدت سوءرفتار دوران کودکی بر جنبه‌های مختلف زندگی بعدی در بزرگسالی از جمله رضایت زناشویی است (جعفری‌اقدم و همکاران،۱۴۰۰). محققان دریافته‌اند که بدرفتاری عاطفی با کودکان یعنی تحقیر، رفتارهای ارعاب‌کننده توسط مراقبین که نسبت به کودکان معطوف می‌شود رایج است (دیلیلو و لانگ[3]، ۱۹۹۹، رایت[4] و همکاران،۲۰۰۹) و با پیامدهای بین‌فردی منفی در بزرگسالی مرتبط است. طبق گزارش وزارت بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده (۲۰۱۳)، ۵۷۸۸۰ کودک آمریکایی در سال ۲۰۱۲ سوءاستفاده عاطفی را تجربه کردند. سوءاستفاده عاطفی دوران کودکی اغلب با سوءاستفاده جنسی و یا فیزیکی همراه است (رایت و همکاران، ۲۰۰۹). با این حال، سوءاستفاده عاطفی ممکن است در مقایسه با سایر اشکال سوءاستفاده مضرتر باشد زیرا معمولاً فراگیرتر است (رایت، ۲۰۰۹). یک فرضیه که ارتباط بین سوءاستفاده عاطفی و مشکلات بین فردی بعدی را توضیح می‌دهد این است که سوءاستفاده عاطفی ممکن است توانایی کودکان را برای بیان واضح احساسات خود و خواندن دقیق احساسات دیگران مختل کند. این مشکلات می تواند منجر به مشکلات در روابط صمیمانه در مراحل بعدی زندگی شود (مانتا[5] و همکاران ،۲۰۱۵). اثرات سوءرفتار کودکی در مردان با آشفتگی‌های روانشناختی و پارانوئید آنها در بزرگسالی، و در زنان با وسواس فکری و عملی و خصومت در بزرگسالی رابطه دارد که این خود کیفیت رضایت زناشویی را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد(پری[6] و همکاران ۲۰۰۸). بزرگسالان جوان با سابقه سوءرفتار هیجانی در دوران کودکی نیز نه تنها باورهای منفی درباره خود بلکه درباره دیگران نیز دارند به طوریکه ضمن اینکه دیگران را حمایت کننده نمی‌دانند، آنها را سوءاستفاده کننده یا رهاکننده نیز می‌دانند که در کودکی مورد بدرفتاری روانشناختی قرار گرفته است تعمیم یابد و بر انتظارات از خود و دیگران در جهت افزایش خطر بروز تعارضات زناشویی و در نتیجه کاهش رضایت زناشویی تاثیر بگذارد(مسمن و کات[7]، ۲۰۰۷) .

دلزدگی زناشویی یکی از مولفه‌هایی است که از سوءرفتار دوران کودکی تاثیر می‌پذیرد به گونه‌ای است که تجربه‌های سوءرفتار هیجانی مدل‌های کارکردی درونی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (فینزی[8] و همکاران، ۲۰۰۱) و باعث احساس‌هایی نظیر خشم، نفرت، ناامیدی و سرخوردگی می‌شود و انباشته شدن این احساسات دردناک به مرور زمان باعث بی‌میلی و ناخوشنودی نسبت به همسر و زندگی در کنار وی را غیرقابل تحمل می‌کند و زمینه‌هایی از دلزدگی زناشویی را ایجاد می‌کند(دنهام و همکاران۲۰۱۶). دلزدگی زناشویی منجر به احساس تنهایی فرد در ارتباط زناشویی شده و این احساس تنهایی حاضر نیز منجر به کاهش کیفیت رضایت از رابطه زناشویی می‌شود (محمودپور و همکاران،۱۳۹۹). اگرچه عشق دلیل رایج برای ازدواج است اما برای یک ازدواج موفق کافی نیست. اگر انتظارات عاشقانه برآورده نشود، ناامیدی نسبت به همسر غالب می‌شود که مستقیما باعث کاهش عشق و تعهد می‌شود و در این زمان است که دلزدگی زناشویی بروز پیدا می‌کند(کبریتچی و محمدخانی، ۲۰۱۶). دلزدگی زناشویی متشکل از علائم جسمی (احساس خستگی، بی‌حالی، سردردهای مزمن و...)،

1 Kreny, bradboury
2 Schoenfeld
3 DiLillo, Long
4 Wright
5 Maneta
6 Perry
7 Messman, Coates
8 Finzi

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.13.0]

علائم عاطفی (احساس اضطراب، غم، ناامیدی، افسردگی) و علائم روانی (بی معنی بودن، احساس خالی بودن، بیهودگی و حتی افکار خودکشی و...) است که در نتیجه اختلاف بین انتظارات و واقعیت‌ها شکل می‌گیرد (علی‌محمدی و گل‌محمدیان، ۲۰۱۸).

دلزدگی زناشویی از جمله متغیرهایی است که احتمالا می‌تواند بین سوءرفتار هیجانی دوران کودکی و رضایت زناشویی نقش میانجی را ایفاد کند . دلزدگی زناشویی پدیده پیچیده‌ای است که ضمن درگیر کردن بسیاری از زوج‌ها، از عوامل بسیاری از جمله تعارض زناشویی و رضایت زناشویی زناشویی تاثیر می‌پذیرد(کاظمیان‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۶). مانتا و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای نشان دادند که سوءرفتار هیجانی در دوران کودکی باعث می‌شود فرد در دوران بزرگسالی توجه کمتری به احساسات و روابط صمیمانه با دیگران و بخصوص همسر داشته باشد و این عدم توجه و عدم درک همدلانه باعث نارضایتی و دلزدگی در روابط زناشویی می‌شود .

با توجه به مبانی پژوهشی مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که سوءرفتار هیجانی دوران کودکی و دلزدگی زناشویی از عوامل تاثیرگذار بر رضایت زناشویی زوجین هستند. و از آنجایی که سوءرفتار هیجانی دوران کودکی بر دلزدگی زناشویی تاثیرگذار هستند و دلزدگی زناشویی نیز بر رضایت زناشویی تاثیرگذار است بنابراین این دو متغیر بر رضایت زناشویی تاثیر می‌گذارند. از آنجایی که رضایت زناشویی یکی از عوامل تحکیم خانواده است و خانواده سالم می‌تواند دوام و رشد فرزندانی با سلامت روانی بالا را تضمین نماید لذا آشنایی با هر یک از عوامل مخرب بر آن در جهت افزایش رضایت زناشویی ضروری است. به همین منظور پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای دلزدگی زناشویی در ارتباط بین سوءرفتار هیجانی دوران کودکی و رضایت زناشویی انجام شد.

روش

این پژوهش به لحاظ هدف، از نوع بنیادی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، همه مردان و زنان متاهل شهر بندرعباس سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ را شامل می‌شود. حداقل حجم لازم برای این پژوهش براساس شاخص پرکاربرد N بحرانی هولتر محاسبه شده است که این مقدار برای مدل فرضی پژوهش و براساس متغیرهای مکنون و مشهود برابر ۱۴۲ به دست آمد. همچنین، با درنظرگرفتن حداقل حجم مورد نیاز هنگامی که پارامترهای مدل (در مدل فرضی این پژوهش، ۲۹ پارامتر) و به ازای هر پارامتر بین ۱۰ تا ۱۵ متغیر باشد، حجم نمونه باید بین ۲۹۰ تا ۴۳۵ نفر باشد (کلاین[1]، ۲۰۱۵)؛ ازاین رو، کل نمونه انتخاب شده در این پژوهش ۳۵۰ نفر است. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد داده‌های مربوط به ۳۵۰ نفر تحلیل‌پذیر بودند که تجزیه و تحلیل صرفا روی داده‌های آنها انجام شد. ملاک های ورود شامل: متاهل بودن، حداقل یکسال از زندگی مشترکشان گذشته باشد و در حال حاضر با هم زندگی کنند. دارا بودن حداقل سواد سیکل، تمایل به شرکت در پژوهش بود. ملاک های خروج این پژوهش نیز شامل: انصراف از همکاری و ناقص بودن پرسشنامه‌ها بود. روند اجرای پژوهش نیز به این صورت بود که قبل از تکمیل پرسشنامه ها به مشارکت کنندگان در مورد هدف از این پژوهش، محرمانه بودن نتایج توضیحاتی داده شد و پس از کسب رضایت آگاهانه از آنها خواسته شد تا در صورت تمایل اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها نمایند. داده‌ها نیز به روش مدل سازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار $SPSS_{23}$ و نرم‌افزار $LISREL_{8.8}$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار سنجش

مقیاس رضایت زناشویی انریچ (EMS)[2]: این مقیاس در سال ۱۹۹۴ توسط اولسون برای ارزیابی میزان رضایت زناشویی تهیه شده است. چون نسخه اصلی ۱۱۵ سؤالی مقیاس باعث خستگی پاسخ دهنده‌ها می‌شد، فرم ۴۷ سؤالی آن توسط اولسون (۱۹۹۸) تهیه شد. این فرم ۹ بعد رضایت زناشویی را می‌سنجد. این ۹ بعد عبارتند از: موضوعات شخصی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج فرزندان، اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی. مقیاس این پرسشنامه از نوع لیکرت است و در طیف ۱تا ۵ از کاملا مخالفم تا کاملا موافقم رتبه‌بندی می‌شود. ضریب آلفای این پرسشنامه در گزارش اولسون و همکاران (۱۹۸۹) برای خرده مقیاس های تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط حل تعارض مدیریت مالی، فعالیت های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساورات طلبی به ترتیب از این قرار است: ۰/۹۰، ۰/۸۱، ۰/۷۳، ۰/۶۸،

1 Klein
2 Eneich marital satisfaction

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.13.0]

۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۴۸، ۰/۷۷، ۰/۷۲، ۰/۷۱ و همبستگی دورنی آزمون را برای فرم بلند ۰/۹۳ و برای فرم کوتاه ۰/۹۵ محاسبه و گزارش شده است (اسماعیل پور و همکاران، ۱۳۹۲). رضائیان و همکاران (۱۳۸۵) پایایی آن را به روش ضریب آلفای کرونباخ، برابر با ۰/۹۴ بدست آورد و محمدی و همکاران (۲۰۱۲) آلفای کرونباخ ۰/۹۵را گزارش کرده‌اند. همچنین در بررسی روایی این آزمون ، ضریب همبستگی آن با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت از زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۲ است که نشان از روایی سازه آن است(اولسون و دیفرین، ۱۹۹۷)، پرسشنامه انریچ زوج‌های راضی و ناراضی را به خوبی متمایز می‌کند و این اندازه از ۰/۸۵ تا ۰/۹۵ است که نشان از این دارد که پرسشنامه از روایی ملاکی خوبی برخوردار است(ثنایی، ۱۳۹۶). طریقی و همکاران (۱۳۹۴) برای هر کدام از ابعاد ۹ گانه این پرسشنامه به ترتیب آلفای کرونباخ ۰/۷۹، ۰/۷۸، ۰/۸۲، ۰/۷۴، ۰/۶۴، ۰/۸۲، ۰/۷۲، ۰/۶۱ و ۰/۷۹ را گزارش کرده اند. آلفای کرونباخ مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه ترومای کودکی(CTQ)[1]: : این پرسشنامه توسط محمد خانی و همکاران (۲۰۰۳) طراحی شد. این ابزار دارای ۳۸ گویه و ۴ بعد سوءرفتار عاطفی (۱۴ گویه)، سوءرفتار غفلت (۱۱ گویه)، سوءرفتار جسمی (۸ گویه) و سوءرفتار جنسی (۵ گویه) است که با استفاده از مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (۰=هرگز تا ۳=همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. لازم به ذکر است که تمام گویه‌های سوءرفتار غفلت به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و فرم اصلی ابزار روی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه هنجاریابی شده است (محمدخانی و همکاران، ۲۰۰۳). نمره ابعاد این پرسشنامه با استفاده از مجموع نمره گویه‌های آن بعد به دست می‌آید و نمره بالاتر به معنای تجربه بیشتر داشتن آن سوءرفتار است.سازندگان ابزار روایی محتوایی و ملاکی آن را تایید کرده‌اند، همچنین این ابزار از لحاظ اعتبار صوری و اعتبار سازه بررسی و در حد مطلوبی برآورد گردیده است (محمدخانی و همکاران، ۲۰۰۳).همبستگی درونی ابعاد این پرسشنامه با کل آزمون بین ۰/۸۲ تا ۰/۸۹ به دست آمد و همسانی درونی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برای ابعاد سوءرفتارهای عاطفی ۰/۹۵، غفلت ۰/۹۱، جسمی ۰/۷۹، و جنسی ۰/۸۷ گزارش شد که حاکی از ضریب پایایی مطلوب پرسشنامه است (محمدخانی و همکاران ،۲۰۰۳). آلفای کرونباخ پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۷۹ بدست آمد.

مقیاس دلزدگی زناشویی(CBM)[2]: این مقیاس توسط پاینز (۱۹۹۶) ساخته شده و شامل ۲۰ سؤال است که نشان‌دهنده‌ی نشانگان دلزدگی است. این پرسشنامه دارای سه مؤلفه خستگی عاطفی، خستگی روانی و خستگی جسمی است. در این مقیاس نمرات بالاتر نشان دهنده دلزدگی بیشتر است و حد بالای نمره ۱۴۷ و حد پایین نمره، ۲۱ می‌باشد. برای تفسیر نمره‌ها باید آنها را تبدیل به درجه کرد که این عمل از طریق تقسیم نمودن نمره‌های حاصل شده از مقیاس بر تعداد سؤالات به دست می‌آید (رسولی و همکاران، ۲۰۱۶). در تفسیر نمره ها، درجه بیشتر از ۵ نشانگر لزوم کمک فوری، درجه ۵ نشان دهنده وجود بحران، درجه ۴ نمایانگر حالت دلزدگی، درجه ۳ نشان دهنده خطر دلزدگی و درجه ۲ و کمتر از آن نیز نشان دهنده وجود رابطه خوب است. پانیز و نانز (۲۰۰۳) روایی پرسشنامه را به شیوه بررسی روایی ملاک مورد بررسی قرار دادند که همبستگی منفی این پرسشنامه با ویژگی های ارتباطی مثبت (ضرایب همبستگی بالای ۰/۳۰) روایی آن را تایید کرد. اسلامی و همکاران (۲۰۱۲) ضریب پایایی بازآزمایی این مقیاس برای یک دوره یک ماهه ۰/۸۹، برای یک دوره دوماهه ۰/۷۶ و برای یک دوره چهارماهه ۰/۶۶ بود و ضریب آلفای کرونباخ آن نیز بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ گزارش شده است. در پژوهش ساداتی و همکاران (۲۰۱۴) نیز روایی سازه این مقیاس از طریق تحلیل عاملی مورد تائید قرار گرفت. آن‌ها همچنین روایی همگرای مقیاس را با مقیاس فرسودگی زناشویی پاینز محاسبه کردند و ضریب همبستگی این دو مقیاس را معنی‌دار گزارش کردند (r= ۰/۵۴ p=۰/۰۰۱). آلفای کرونباخ مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۹۳ به دست آمد.

یافته‌ها

نمونه پژوهش حاضر، شامل ۳۵۰ نفر شرکت کننده که ۱۷۵ نفر مرد (۵۰٪) و ۱۷۵نفر زن (۵۰٪) بود. میانگین سنی و انحراف معیار سن شرکت کنندگان در پژوهش به ترتیب ۳۵/۸ و ۲۱/۳ بود. از لحاظ میزان تحصیلات فراوانی و درصد دیپلم به ترتیب ۴۵و ۱۲٪ فوق دیپلم ۲۵ و ۷/۱٪، لیسانس ۲۲۶ و ۶۴/۵٪ و فوق لیسانس و بالاتر ۵۴ و ۱۵/۴٪ بود. بیشترین میزان شرکت کنندگان از لحاظ تحصیلات

1 Childhood trauma questionnaire
2 Couple Boredom Measure

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.13.0]

مربوط به مقطع لیسانس (۶۴/۵ درصد) و کمترین آن مربوط به مقطع فوق دیپلم(۷/۱ درصد) بود. میانگین و انحراف معیار مدت ازدواج به ترتیب ۹/۱۳ سال و ۵/۸۲ بود. از لحاظ تعداد فرزندان نیز، خانواده های تک فرزندی به ترتیب با فروانی و درصد ۱۷۰ و ۰/۴۸، دو فرزندی ۹۰ و ۰/۲۵، سه فرزندی ۵۰ و ۰/۱۴، چهار فرزندی و بالاتر ۴۰ و ۰/۱۱ بودند . شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به میانگین، انحراف معیار، همبستگی، کجی و کشیدگی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱ – ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش، میانگین و انحراف معیار

		۱	۲	۳	میانگین (انحراف معیار)	کجی	کشیدگی
۱	سوءرفتار هیجانی	۱			۵۰/۵۲ (۱۹/۲۰)	-۰/۶۲۰	۰/۸۰
۲	دلزدگی زناشویی	۰/۴۴**	۱		۷۳/۱۸ (۲۱/۹۲)	۱/۲۰	-۰/۶۸
۳	رضایت زناشویی	-۰/۵۳**	-۰/۵۱**	۱	۱۶۰/۱۹ (۲۴/۸۸)	۰/۷۳	۰/۸۵

در جدول ۱، ماتریس همبستگی بین متغیرهای مکنون، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. همان‌گونه که مندرجات این جدول نشان می‌دهند تمامی همبستگی‌های مقدار قابل توجهی را شامل می‌شوند($-0/53 \leq r \leq 0/44$). در این میان دلزدگی زناشویی و سوءرفتار هیجانی کمترین همبستگی ($r=0/44$) و رضایت زناشویی و سوءرفتار هیجانی بیشترین همبستگی ($r=0/357$) را نشان دادند.

از ارزیابی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری، پیش‌فرض‌های مهم مدل‌یابی معادلات ساختاری شامل نرمال بودن تک متغیری[1] و چندمتغیری[2] و عدم وجود هم‌خطی چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. محاسبه چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرهای مشهود، روشی معمول برای ارزیابی نرمال بودن تک متغیری است. در این مطالعه چولگی متغیرهای مشاهده پذیر در دامنه ۰/۶۲۰- تا ۱/۲۰ و کشیدگی آن‌ها در دامنه ۰/۶۸- تا ۰/۸۵ قرار داشت. چو و بنتلر[3] (۱۹۹۵)، نقطه برش ۳ ± را برای مقدار چولگی مناسب می‌دانند. اگرچه توافق اندکی درباره نقطه برش کشیدگی وجود دارد، با این‌حال به‌طور کلی مقادیر بیش از ۱۰ ± برای این شاخص مسئله آفرین بوده و مقادیر بیش از ۲۰ ± نتایج به دست آمده را نامعتبر می‌سازد (کلاین،۲۰۱۵). در این مطالعه فرض نرمال بودن چندمتغیری با محاسبه شاخص کشیدگی چندمتغیری نسبی[4] بررسی شد که مقدار آن برابر ۱/۲۱۴ بدست آمد. بنتلر (۱۹۹۵) معتقد است درصورتی که ارزش این شاخص بیشتر از ۳ نباشد، نرمال بودن چندمتغیری محقق شده است. بنابراین توزیع تمامی ترکیب‌های متغیرها نرمال است. بررسی پیش فرض عدم وجود هم‌خطی چندگانه[5] به وسیله وارسی ماتریس همبستگی بین متغیرهای مشهود انجام شد. بررسی این ماتریس حاکی از عدم وجود هم‌خطی چندگانه بین آنها است. ضرایب همبستگی در دامنه $-0/53 \leq r \leq 0/44$ قرار دارند. ضرایب همبستگی که بالای ۰/۸۵ باشند در تخمین صحیح مدل مشکل ایجاد می‌کنند (کلاین،۲۰۱۵). درچنین شرایطی باید یکی از دو متغیر از تحلیل کنار گذارده شود. برای بررسی اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای سوء رفتار هیجانی و رضایت زناشویی با میانجیگری دلزدگی زناشویی از روش مدل یابی معادلات ساختاری روش تحلیل مسیر استفاده شده است که در شکل ۱گزارش شده است.

1. univariate normality
2. multivariate normality
3. Chou & Bentler
4. relative multivariate kurtosis
5 multicollinearity

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.13.0]

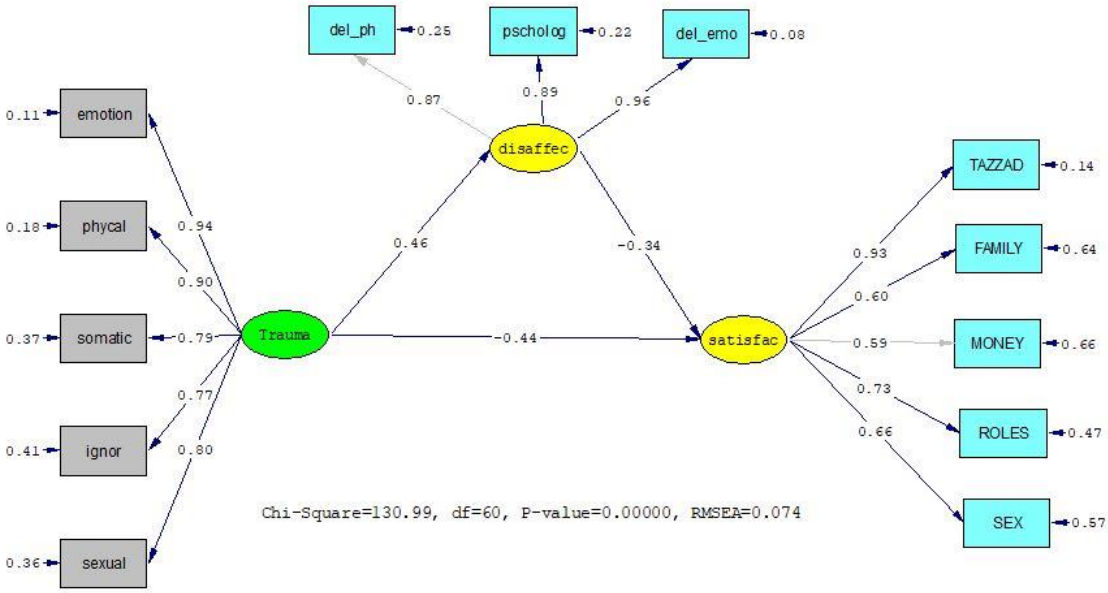

شکل ۱- مدل ساختاری پژوهش

براساس شکل ۱ می توان گفت که سوءرفتار هیجانی (۰/۴۴- =۰۰۱/۰ ، P<β) ، دلزدگی زناشویی (۰/۳۴- =۰۰۱/۰ ، P<β) به صورت منفی بر رضایت زناشویی معنی دار است . یعنی با افزایش این متغیرها رضایت زناشویی کاهش می باید و سوءرفتار هیجانی (۰/۴۶=۰۰۱/۰ ، P<β) به صورت مثبت بر دلزدگی زناشویی معنی دار است. یعنی با افزایش سوءرفتار هیجانی، دلزدگی زناشویی هم افزایش می‌یابد و بالعکس.

در جدول ۲ مقادیر مربوط به ضرایب مسیر و مقدار T-Valueبین متغیرهای پژوهش جهت بررسی وجود یا عدم وجود روابط مستقیم بین متغیرهای پژوهش ارائه گردیده است.

جدول ۲- نتایج تحلیل اثرات مستقیم متغیرهای تحقیق

متغیرها			ضرایب مسیر	مقدار T	خطای استاندارد	معنی‌داری
سوءرفتار هیجانی	←	رضایت زناشویی	۰/۴۴-	۵/۵۳-	۰/۰۷۲	۰/۰۰۱
دلزدگی زناشویی	←	رضایت زناشویی	۰/۳۴-	۴/۵۳-	۰/۰۸۴	۰/۰۰۱
سوءرفتار هیجانی	←	دلزدگی زناشویی	۰/۴۶	۶/۵۹	۰/۰۶۳	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۲ اثر مستقیم متغیر سوء رفتار هیجانی و دلزدگی زناشویی بر رضایت زناشویی منفی و معنی‌دار است . همچنین اثر مستقیم متغیر سوءرفتار هیجانی بر دلزدگی زناشویی مثبت و معنی‌دار است .

جهت بررسی اثر غیرمستقیم سوءرفتار هیجانی با میانجیگری دلزدگی زناشویی بر رضایت زناشویی زنان و مردان از آزمون تست سوبل استفاده شده است. آزمون سوبل یکی از رویکردهای پرکاربرد در قبول یا رد فرضیات مربوط به نقش میانجی یک متغیر می باشد. که نتایج آن در جدول ۳ ارائه گردیده است . همچنین برای تعیین شدت اثر غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی از آماره‌ای به نام VAF استفاده می‌شود که مقداری بین ۰ تا ۱ را اختیار می‌کند؛ و هرچه این مقدار به ۱ نزدیکتر باشد، نشان از قوی بودن تاثیر میانجی دارد. در واقع این مقدار اثر غیرمستقیم به اثر کل را می‌سنجد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.13.0]

جدول۳- نتایج تحلیل اثرات غیرمستقیم سوءرفتار هیجانی با میانجی گری دلزدگی زناشویی بر رضایت زناشویی

متغیرها	T-Sobel	ضریب مسیر استاندارد	آماره VAF	نتیجه آزمون
سوءرفتار هیجانی ← دلزدگی زناشویی ← رضایت زناشویی	۲/۵۳	-۰/۱۶	۰/۳۳۷	تایید

با توجه به میزان آماره‌ی تی غیرمستقیم (تی‌سوبل) بین متغیرهای بالا که خارج از بازه ۱/۹۶ و ۱/۹۶- است، لذا فرضیه اثر غیرمستقیم متغیرهای سوءرفتار هیجانی و دلزدگی زناشویی بر رضایت زناشویی پذیرفته می‌شود. بنابراین متغیر سوءرفتار هیجانی علاوه بر اثرمستقیم به طور غیرمستقیم و از طریق دلزدگی زناشویی بر رضایت زناشویی تاثیر می‌گذارد. با توجه به میزان به دست آمده برای آماره VAF مشاهده می‌شود که ۳۳/۴ درصد سوءرفتار هیجانی بر رضایت زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی می‌تواند تبیین گردد.

تعدادی آزمون جهت بررسی اینکه داده‌ها تا چه حد با مدل برازش دارند و مدل تا چه حد روابط مشاهده شده بین متغیرهای قابل اندازه‌گیری را توصیف می‌نماید به کار می‌رود. جدول ۴ معرف انواع شاخص‌های برازش و معنی‌داری مدل می باشد.

جدول ۴- شاخص برازندگی مدل تحقیق

شاخص برازندگی	دامنه قابل‌پذیرش	مقدار
خی‌دو ($\chi 2$) / df	کم تر از ۵	۲/۱۸
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۸
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بزرگتر از ۰/۸۰	۰/۹۱
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۶
ریشه میانگین مربعات باقی مانده استانداردشده (SRMR)	کم‌تر از ۰/۱	۰/۰۶۲

یکی از شاخص‌های مقتصد تقسیم خی دو بر درجه آزادی است که این میزان بایستی کمتر از ۵ باشد و چنانچه در جدول ۴ مشاهده می شود ۲/۱۸ می‌باشد. شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد نیز، ۰/۰۶۲ می‌باشد که در محدوده مطلوب می‌باشد و نشان از برازندگی خوب مدل است. شاخص برازش تطبیقی و شاخص برازش هنجارشده باید از ۰/۹۰ بیشتر باشد که در جدول ۴، ۰/۹۸ و ۰/۹۶ بدست آمده است و بیانگر برازندگی مدل است و شاخص نیکویی برازش باید بالاتر از ۰/۸۰ باشد که در جدول ۴، ۰/۹۱ ذکر شده است و با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت مدل تحقیق از نظر شاخص‌های معنی‌داری و برازش مورد تایید است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای دلزدگی زناشویی در ارتباط بین سوءرفتار هیجانی دوران کودکی و رضایت زناشویی بود. یافته اول پژوهش حاضر نشان داد که بین سوءرفتار هیجانی دوران کودکی با رضایت زناشویی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد، این یافته با نتایج پژوهش‌های زینالی و اسماعیل‌زاده (۱۳۹۹)، دادو و دبیری (۱۳۹۸)، خورشیدی و دشت‌بزرگی (۱۳۹۸)، جعفری‌اقدم و همکاران (۱۴۰۰)، تینا و همکاران (۲۰۱۴)، فشنگچی و بستان (۱۳۹۶)، تساپلاس و همکاران (۲۰۰۹)، کبریتچی و محمدخوانی (۲۰۱۶)، کوکورکان و همکاران (۲۰۱۷) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که با افزایش سوءرفتار هیجانی دوران کودکی رضایت زناشویی دوران بزرگسالی کاهش می‌یابد. یعنی با بالا بودن سوءرفتار هیجانی دوران کودکی، افزایش ناکارآمدی افراد بخصوص در روابط بین‌فردی ، روابط ضعیف عاشقانه، احساس امنیت کمتر و عدم تمایل به ارتباط با دیگران به سبب بی‌اعتمادی ایجاد می‌شود. این تاثیرهای بلندمدت تروماها و سوءرفتارهای هیجانی دوران کودکی بر روابط زوجین بر توانایی بعدی در ادامه و حفظ ارتباط رضایتبخش و صمیمی اثر دارد (امیری‌مجد و همکاران، ۱۳۹۷). افرادی که دچار سوءرفتار هیجانی در دوران کودکی می‌شوند این سوءرفتار ها در مردان با آشفتگی‌های روانشناختی و پارانوئید آنها در بزرگسالی، و در زنان با وسواس فکری و عملی و خصومت در بزرگسالی رابطه دارد که این خود

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.13.0]

کیفیت رضایت زناشویی را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد (پری، دلیلو، پوق[1]، ۲۰۰۷). بزرگسالان جوان با سابقه سوءرفتار هیجانی در دوران کودکی نیز نه تنها باورهای منفی درباره خود بلکه درباره دیگران نیز دارند به طوریکه ضمن اینکه دیگران را حمایت کننده نمی‌دانند، آنها را سوءاستفاده کننده یا رهاکننده نیز می‌دانند که در کودکی مورد بدرفتاری روانشناختی قرار گرفته است تعمیم یابد و بر انتظارات از خود و دیگران در جهت افزایش خطر بروز تعارضات زناشویی و در نتیجه کاهش رضایت زناشویی تاثیر بگذارد (مسمن و کات[2]، ۲۰۰۷) .

یافته دوم پژوهش حاضر نشان داد که سوءرفتار هیجانی با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. این یافته‌های با پژوهش های ثابت‌عمل و همکاران (۱۳۹۹)، پینز و همکاران (۲۰۱۱)، زینالی و همکاران (۱۳۹۹)، خورشیدی و دشت‌بزرگی (۱۳۹۸) همسو بود . در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت با افزایش سوءرفتار هیجانی دوران کودکی دلزدگی زناشویی افزایش می‌یابد به این صورت که افراد دچار سوءاستفاده هیجانی دوران کودکی به سبب سوءاستفاده های متعدد دوران کودکی احساس تباه‌شدگی در زندگی دارند و دید بدبینانه‌ای نیز نسبت به همسر خود دارند و احساس می‌کنند که نمی‌توانند این شرایط را تغییر دهند به همین دلیل تصمیم می‌گیرند تا انرژی کمی که برایشان باقی مانده را صرف خود یا فرزندانشان کنند و به این دلیل که سعی نمی‌کنند شرایط را تغییر دهند فاصله بینشان بیشتر شده و زمینه‌های دلزدگی زناشویی را ایجاد می‌کند و در نهایت، این شرایط، عدم رضایت و تعارض زناشویی را در پی دارد (کاپری، ۲۰۱۳ ؛ پینز و همکاران، ۲۰۱۱). افرادی که دچار سوءرفتار هیجانی در دوران کودکی می‌شوند کسانی هستند که به صورت کلامی، غیرکلامی توسط والد، مراقبت کننده یا یا اطرافیان از نیازهای اساسی خود محروم بوده‌اند، افرادی که دچار سوءرفتار جسمی قرار گرفته‌اند کسانی هستند که توسط والد یا مراقبت کننده مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و کسانی که مورد سوءرفتار جنسی قرار گرفته‌اند کسانی هستند که توسط اطرافیان مورد هدف جنسی قرار گرفته‌اند بنابراین تجربه‌های سوءرفتار هیجانی باعث می شود که دید بدبینانه‌ای نسبت به مراقبت‌کنندگان و اطرافیان داشته باشند (زینالی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۹) دلزدگی زناشویی کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی به همسر است که با احساس بیان بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی زوجین به یکدیگر و جایگزینی عواطف منفی با عواطف مثبت همراه می‌شود باعث از دست دادن شور و شوق اولیه، وابستگی عاطفی و تعهد می‌شود (خورشیدی و دشت بزرگی، ۱۳۹۸).

یافته سوم پژوهش حاضر نشان داد سوءرفتار دوران کودکی به صورت غیرمستقیم از طریق دلزدگی زناشویی بر رضایت زناشوی تاثیر دارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های زینالی و همکاران (۱۳۹۹)، لیو و همکاران (۲۰۱۹)، کراکر و همکاران (۲۰۱۷) همسو بود. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت که دلزدگی زناشویی از جمله پدیده‌هایی است که تحت تاثیر سوءرفتار هیجانی دوران کودکی به صورت‌های مختلف بروز می‌کند که در نتیجه آن در روابط زناشویی و به ویژه در رضایت زناشویی تاثیرگذار است. دلزدگی زناشویی ناشی از حس رهاشدگی، عدم اعتماد به دیگران که از عوارض سوءرفتار هیجانی دوران کودکی است باعث می‌شود باعث کاهش شدید انرژی جسمی و روانی زوجین می‌شود. البته میزان کاهش انرژی سوءرفتارها با هم متفاوت است و سوءرفتارهای عاطفی و جنسی در اولویت قرار دارند و بیشتر باعث کاهش انرژی می‌شوند. کاهش انرژی جسمی و روانی افراد باعث افزایش استفاده از راهبردهای سازش نایافته و کاهش استفاده از راهبردهای سازش یافته برای کنار آمدن با مشکلات و مسائل روزمره زندگی از جمله دلزدگی زناشویی و رضایت زناشویی می شود می‌شود. بنابراین راهبردهای کنار آمدن کودکان با تجربه سوءرفتار نه تنها باعث حل مشکلات و مسائل روزمره زندگی و کاهش پیامدهای منفی تجربه‌های سوءرفتارها نمی‌شود، بلکه خود باعث بروز مشکلات و مسائل دیگری در بزرگسالی نیز برای آنها می‌شود (زینالی و اسماعیل زاده، ۱۳۹۹). در تبیین یافته‌های فوق می‌توان گفت که با آگاهی والدین در خصوص نحوه تربیت فرزندان و توجه به سوءرفتارهای دوران کودکی بخصوص سوءرفتار هیجانی دوران کودکی می توان از دلزدگی زناشویی آنان در بزرگسالی جلوگیری کرد و در بیان کلی کاهش سوءرفتار هیجانی دوران کودکی می‌تواند رضایت زناشویی آنان در بزرگسالی را تحت تاثیر قرار دهد.

بنابراین می‌توان گفت با توجه به یافته‌های فوق متغیرهای سوءرفتار هیجانی و دلزدگی زناشویی از عوامل تاثیرگذار بر رضایت زناشویی زوجین هستند و با آگاهی از سوءرفتارهای دوران کودکی و کاهش آن به کاهش دلزدگی زناشویی و افزایش رضایت زناشویی در بزرگسالی کمک کرد.

این پژوهش مانند سایر پژوهش‌ها از محدودیت‌هایی برخوردار است یکی از این محدودیت‌ها در دسترس بودن نمونه است که این مورد تعمیم‌پذیری یافته‌ها را با محدودیت مواجه می‌کند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از انواع نمونه‌گیری‌های دیگر استفاده شود.

1 Perry
2 Messman, Coates

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.13.0]

مقاله حاضر بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول مقاله در رشته روانشناسی بالینی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس می‌باشد.

منابع

اسماعیل پور، خ؛ خواجه، و؛ مهدوی، ن. (۱۳۹۲) .پیش بینی رضایت زناشویی همسران بر اساس باورهای ارتباطی و توانش‌های ارتباطی .*فصلنامه خانواد پژوهی*، ۹(۳۳). ۴۴-۲۹.https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285516.1397.9.31.8.8

اسماعیل‌زاده مشکی، پ و زینالی، ع.(۱۳۹۹). نقش تجربه‌های سوءرفتار دوران کودکی در پیش‌بینی روان‌بنه‌های هیجانی در بزرگسالی .*فصلنامه سلامت روان کودک*.; ۷ (۳) :۱۴۱-۱۲۸http://dx.doi.org/10.52547/jcmh.7.3.11

امیری مجد، م.، و کاکاوند، ش. (۱۳۹۷). رابطه آزاردیدگی و خشونت دوران کودکی با صمیمیت زناشویی در زوجین ناسازگار. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*, ۷(۱ (۲۳)), ۲۹-۳۶. http://dx.doi.org/10.52547/jcmh.7.3.11

ثنایی، ب.(۱۳۹۶). مقیاس سنجش خانواده و ازدواج . تهران. نشر بعثت

جعفری اقدم، غ؛ احمدی طهورسلطانی، م ؛ دوران، ب. (۱۴۰۰). رابطه بین بدرفتاری در دوره کودکی و رضایت زناشویی کارکنان بیمارستان بقیه الله (عج) :نقش واسطه‌ای طرحواره های بریدگی و طرد و دشواری در تنظیم هیجان .*مجله طب نظامی*. ۲۳ (۵) :۳۸۶-۳۷۷. http://dx.doi.org/10.30491/JMM.23.5.377

دادو، پ و دبیری ، س(۱۳۹۸). پیشبینی رضایت زناشوئی بر اساس دلزدگی زناشوئی، احساس تنهایی و عملکرد جنسی در دانشجویان متأهل، *مجله علوم شناختی*، ۱۸(۷۶). ۵۰۷-۴۹۹.http://dorl.net/dor/20.1001.1.17357462.1398.18.76.10.1

رضائیان، ح؛ محسنی، ن؛ محمدی، م؛ غباری بناب، ب؛ سرمد، ز؛ غلامعلی لواسانی، م؛ مومنی،ف. (۱۳۸۵).بررسی مدل علیتی متغیرهای خانواده، ادراک خود نوجوانان و سلوک .*مجله پژوهش حکیم*، ۹(۳) . ۳۸- ۳۲. https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285516.1397.9.31.8.8

زارعی نژاد، ز؛ پورحسین، ر ؛رحیمی نژاد، ع .(۱۳۹۶). بررسی نقش میانجیگر سبکهای دفاعی در رابطه بین سطوح تحول من و رضایت زناشویی. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۶(۶۱)۶- ۱۹http://dorl.net/dor/20.1001.1.17357462.1396.16.61.1.8 .

طریقی، ز؛ پورشهریار، ح ؛ شکری، ا. (۱۳۹۴). نقش واسطه ای احساس تنهایی و تعهد زناشویی در رابطه بین میزان استفاده از فیسبوک و میزان رضایت زناشویی زنان .*کنفرانس بین المللی علوم انسانی و روانشناسی و علوم اجتماعی*.

فشنکچی، آ و بستان، ن(۱۳۹۶). رابطه سازش یافتگی زناشویی با دلزدگی زناشویی در بین معلمان زن مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه. *نهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی*.

کاظمیان مقدم, ک؛ مهرابی زاده ، م؛ کیامنش, ع؛ حسینیان ,س. (۱۳۹۷). رابطه علّی تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی‌گری تعارض زناشویی و رضایت زناشویی .*فصلنامه علمی - پژوهشی روشها و مدلهای روانشناختی* ۹(۳۱). ۱۳۱-۱۴۶. https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285516.1397.9.31.8.8

محمدی، خ؛ حیدری، م ؛ فقیه زاده، س. (۱۳۶۹). قابلیت اعتماد نسخه فارسی مقیاس Female Sexual Function Index عنوان شاخص عملکرد جنسی زنان .*پایش*، ۷(۳). ۲۷۸- ۲۶۹.http://dorl.net/dor/20.1001.1.16807626.1387.7.3.11.9

محمودپور, ع؛ شیری، ط؛ فرحبخش ، ک؛ ذولافقاری، ش.(۱۳۹۹) . پیش بینی گرایش به طلاق براساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق . *فصلنامه فرهنگ مشاوره و رواندرمانی*. ۱۱(۴۲) : ۱۲۱-۱۴۱. https://dx.doi.org/10.22054/qccpc.2020.43452.2164

منتظری، ر.(۱۴۰۱). نقش خانواده های زوجین در سازگاری، ثبات و رضایت زناشویی همسران: یک مطالعه مروری، *رویش روانشناسی* ، ۱۱(۱): ۱۹۹-۲۱۰http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.1.19.6

Ali Mohammadi, S., & Gol Mohammadian, M. (2018). Prediction of Marital Boredom Based on women with and without history of labor. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 17(4), 202-208. [https://doi.org/10.33422/EJBS.2018.05.30]

Denham, L., Walshe, K., Parker, D., Noyce, P. R., & Ashcroft, D. M. (2016). Job characteristics, well-being and risky behaviour amongst pharmacists. *Psychology, health & medicine*, *21*(8), 932–944. https://doi.org/10.1080/13548506.2016.1139142

DiLillo, D., & Long, P. J. (1999). Perceptions of couple functioning among female survivors of child sexual abuse. *Journal of Child Sexual Abuse: Research, Treatment, & Program Innovations for Victims, Survivors, & Offenders*, *7*(4), 59–76. https://doi.org/10.1300/J070v07n04_05

Finzi, R., Ram, A., Har-Even, D., Shnit, D. and Weizman, A. (2001) Attachment styles and aggression in physically abused and neglected children. *Journal of Youth and Adolescence* [online]. 30 (6), pp.769-786. http://dx.doi.org/10.1023/A:1012237813771

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.13.0]

Jafarbegloo, E., Momenyan, S., & Khaki, I. (2019). The Relationship Between Sexual Function and Marital Satisfaction in Postmenopausal Women. *Modern Care Journal*, 16(1), 1-5[https://dx.doi.org/10.5812/modernc.83687]

Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). Research on Marital Satisfaction and Stability in the 2010s: Challenging Conventional Wisdon. *Journal of Marriage and Family* , 82(1), 100-116. https://doi.org/10.1111/jomf.12635

Kayser, K. (۱۹۹۳). When love dies: The process of marital disaffection. New York: Guilford

Kayser, k. (۱۹۹۶). The marital disaffection scale: An inventory for assessing motional estrangement in marriage. *The American Journal of Family Therapy*, ۲۴, .۸۸-۸۳. https://doi.org/10.1080/01926189508251019

Kebritchi, A., & Mohammadkhani, S. (2016). The role of marital burnout and early maladaptive schemas in marital satisfaction between young couples. *International Journal of Medical Research & Health Sciences*, 5(12), 239-246. DOI:10.20319/pijss.2017.33.108123

Maneta, E. K., Cohen, S., Schulz, M. S., & Waldinger, R. J. (2015). Linkages between childhood emotional abuse and marital satisfaction: The mediating role of empathic accuracy for hostile emotions. *Child abuse & neglect*, *44*, 8–17. https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2014.07.017

Messman-Moore, T. L., & Coates, A. A. (2007). The impact of childhood psychological abuse on adult interpersonal conflict: The role of early maladaptive schemas and patterns of interpersonal behavior. *Journal of Emotional Abuse*, *7*(2), 75–92. https://doi.org/10.1300/J135v07n02_05

Mohammad Khani, P., Nazari, M., Salavati, M., Mohammadi, M., Razzaghid, O. (2003). Devalopment, Validation and reliability of child abuse self report scale (casrs) in iranian student. *Medical Journal Of The Islamic Republic Of Iran (MJIRI)*, 17(1), 51-58. https://pesquisa.bvsalud.org/portal/resource/pt/emr-63502

Omidian, M., Rahimian Boogar, I., Talepasand, S., Najafi, M., & Kaveh, M. (2019). The Cultural Tailoring and Effectiveness of Couples Coping Enhancement Training on Marital Adjustment of Wives. *Journal of Practice in Clinical Psychology*, 7(1), 43-52 http://dx.doi.org/10.32598/jpcp.7.1.43

Perry, A. R., DiLillo, D., & Peugh, J. (2008). Childhood psychological maltreatment and quality of marriage: The mediating role of psychological distress. *Journal of Emotional Abuse, 7*(2), 117–142. https://doi.org/10.1300/J135v07n02_07

Schoenfeld, E. A., Loving, T. J., Pope, M. T., Huston, T. L., & Štulhofer, A. (2017). Does sex really matter? Examining the connections between spouses' nonsexual behaviors, sexual frequency, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Archives of sexual behavior*, 46(2), 489-501. https://doi.org/10.1007/s10508-015-0672-4

Taniguchi, S.T., Freeman, P.A., Taylor, S. & Malcarne, B. (2006). Study of married couples perceptions of marital satisfactionin outdoor recreation. *Journal of experiential education*, 28 (3); 253-256. https://doi.org/10.1177%2F105382590602800309

Tavakol, Z., Nikbakht Nasrabadi, A., Behboodi Moghadam, Z., Salehiniya, H., & Rezaei, E. (2017). A review of the factors associated with marital satisfaction. *Galen Medical Journal*, 6(3), 197-207https://doi.org/10.31661/gmj.v6i3.641

Warach B, Josephs L.(2019).The aftershocks of infidelity: a review of infidelity-based attachment trauma. *Journal of Sexual and Relationship Therapy*; 34(2):132-153https://doi.org/10.1080/14681994.2019.1577961

Whisman, M. A., Gilmour, A. L., & Salinger, J. M. (2018). Marital satisfaction and mortality in the United States adult population. *Health psychology*, 37(11), 10-41. https://doi.org/10.1037/hea0000677

Wright, T.A, Cropanzano,R,Denny,P.J, & Moline, G.L. (2009). When a happy worker is a productive worker: A preliminary examination of three models. *Canadian journal of behavioural science*, 34(3), 146-150. http://dx.doi.org/10.1037/h0087165

Zarei, M., Teiri, F., Soufizadeh, N., Haji-Esmaeelpour, A., Gharibi, F., & Rasolabadi, M. (2019). Evaluating the relationship between sexual function and marital satisfaction in married Kurdish women in year 2016. *Chronic Diseases Journal*, 7(1), 22-27[http://dx.doi.org/10.22122/cdj.v7i1.378]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.13.0]